**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه97– 24/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه مباحث:

از افراد واقع در سند روایت محمد بن مسلم ، «حسین بن احمد» بود. در کتب رجالی امامیه، حال او بیان نشده است اما بعض کتب اهل سنت شرح حال او را بیان کرده‌اند. با توجه به اطلاعاتی که استاد معظم در جلسه گذشته بیان نمودند، اتحاد فرد مذکور در کتب امامیه با فرد مذکور در کتب اهل سنت اثبات گردید. در این جلسه این مسئله بررسی خواهد شد که چه رابطه‌ای بین حسین بن احمد مالکی و حسن بن احمد مالکی وجود دارد.

**عبارت لسان المیزان در مورد حسین بن احمد مالکی**

بحث ما در رابطه با حسین بن احمد مالکی بود. در جلسه گذشته عرض کردیم که این حسین بن احمد مالکی، به احتمال قوی همان فردیست که در تاریخ بغداد و تاریخ دمشق با عنوان **حسین بن احمد بن عبد الله بن وهب ابو علی المالکی الآمدی** ثبت شده است.

در کتاب لسان المیزان چنین وارد شده است: «**الحسین بن أحمد المالکی ذکره الطوسی فی رجال الشیعة و قال روی عن محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین روی عنه محمد بن همام** ...[[1]](#footnote-1)». ممکن است تصور شود تعبیر «**ذکره الطوسی فی رجال الشیعه**» ناظر به حسن بن احمد مالکی از اصحاب امام حسن عسکری7 است. لکن این احتمال صحیح نیست زیرا در لسان المیزان منقولات بسیاری از شیخ طوسی8 نقل شده که در رجال ایشان وجود ندارد. بنده این نکته را در مقاله‌ای که در دانشنامه جهان اسلام چاپ شد، بررسی کرده‌ام. بنده در آن مقاله این احتمال را مطرح کرده‌ام که ظاهرا بر رجال شیخ طوسی8 کتاب شرح‌واره‌ای وجود داشته است. آن کتاب به احتمال زیاد، رجال علی بن حکم بوده است که رجال شیخ طوسی8 را محور قرار داده و برخی اطلاعات جدیدی به آن اضافه کرده است. بنده منشأ و منبع آن اطلاعات جدید را تحقیق کرده‌ام. ایشان این اطلاعات جدید را با استفاده از عبارات دیگر شیخ8 در کتب دیگر ایشان و در بعض موارد از کتب افراد دیگر مانند کمال الدین صدوق8 بیان می‌کند. ایشان بحث مربوط به حسین بن احمد مالکی را از امالی شیخ ره اخذ کرده است. عبارتی که نقل شد، بعینه در کتاب امالی طوسی8 صفحه 305 رقم 613 وارد شده است که راوی و مروی‌عنه آن کاملا تطابق دارد[[2]](#footnote-2). از این رو این مطلب نشانگر این نیست که لسان المیزان نسخه خاصی در اختیار داشته است.

**روایات علی بن بابویه از حسین (حسن) بن احمد مالکی**

علی بن بابویه ره روایاتی را از «حسین بن احمد مالکی» دارد که در بعض موارد از تعبیر «حسن بن احمد مالکی» استفاده می‌کند. در نرم افزار درایه النور حسن بن احمد مالکی بر حسین بن احمد مالکی تطبیق شده و عنوان معیار او «حسین بن احمد بن عبد الله بن وهب مالکی» قرار داده شده است. به نظر می‌رسد علت اصلی این مطلب سندی است که در کتاب وسائل الشیعه وجود دارد.

**بررسی روایت وسائل الشیعه**

آن روایت چنین است:

**فَخَارُ بْنُ مَعْدٍ الْمُوسَوِیُّ فِی کِتَابِ الْحُجَّةِ عَلَی الذَّاهِبِ إِلَی تَکْفِیرِ أَبِی طَالِبٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَی ابْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِکِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ**[[3]](#footnote-3)

لکن نسبت به این سند تحریفی اتفاق افتاده است. سند این روایت در کتاب«**الحجه علی الذاهب إلی تکفیر أبی‌طالب**» چنین است: «**عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ بَابَوَیْهِ الْقُمِّیِّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِکِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَال**‏[[4]](#footnote-4)». از آنجا که نام پدر صدوق ره نیز «**علی**» است، چنین تصور شده که «**ابو علی**» به صورت «**ابی علی**» نوشته شده است. این سند در صفحه 53 از این کتاب نیز بعینه وارد شده است. مصحح کتاب الحجه علی الذاهب، عنوان ابو علی را بر «**أحمد بن محمّد بن الحسن القطان المعروف بأبی علی بن عبد ربّه الرازی‏**» تطبیق کرده است[[5]](#footnote-5). لکن اینکه ایشان این عنوان را سریعا بر شیخِ صدوق8 تطبیق کرده‌اند صحیح نیست بلکه به نظر می‌رسد مراد از آن، محمد بن همام است؛ زیرا او به عنوان ابو علی شهرت داشته است. احمد بن محمد بن الحسن القطان، **رجلٌ من** **اصحاب الحدیث** (**عامی المذهب**) است و با سندهای عامیانه روایت نقل می‌کند بر خلاف حسین بن احمد مالکی که از روات شیعه نقل حدیث می‌کند. شیخ صدوق8 هیچگاه از احمد بن محمد بن الحسن قطان، با تعبیر «ابو علی» (به صورت مطلق) تعبیر نکرده است بلکه تنها در یک مورد، آن هم با تعبیر**«المعروف بأبی علی بن عبد ربّه**» به کنیه ایشان اشاره کرده‌اند.

علی ای تقدیر به نظر می‌رسد نسبت به این سند، سقطی رخ داده است؛ چرا که شیخ صدوق8 مستقیما از ابو علی محمد بن همام نقل روایت نمی‌کند. صدوق ره یا به واسطه غیر واحدی از روات از همام نقل می‌کند (مانند: کتاب توحید صفحه 218 و کمال الدین صفحه 253 و 281 و 345) و یا به واسطه یک شخص مانند محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی از همام روایت می‌کند (مانند کتاب عیون جلد 1 صفحه 58 و 65 و کتاب کمال الدین صفحه 133 و 252 و 281 و 328 و 334 و 342 و 483). همچنین ایشان در کتاب کمال الدین ص 321 به واسطه شریف ابو الحسن علی بن موسی و نیز در کتاب معنای الاخبار صفحه 354 به واسطه عبد الله حسین بن احمد علوی از همام نقل می‌کند. به نظر می‌رسد از آنجا که برای بیان واسطه از تعبیر «**حدثنا**» استفاده شده است (**حدثنا فلانٌ حدثنا فلانٌ** ...) تکرار این واژه موجب پرش قلم گردیده است. پرش قلم یکی از عوامل تحریف است.

در ما نحن فیه واسطه بین صدوق8 و همام به احتمال زیاد، محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی است. مؤید اول بر این سخن اینکه در اکثر موارد او واسطه بین صدوق8 و همام است. ثانیا محمد بن ابراهیم بن اسحاق روایت دیگری[[6]](#footnote-6) که مشابه روایت «**ان اصحاب الکهف اسرُّوا الایمان**» (که در مورد حضرت ابو طالب بود) است را با همین تعبیر نقل می‌کند. از این رو طبیعی است که این دو روایت در کتاب محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی پشت سر هم قرار گرفته باشد؛ چون در موارد بسیاری نظم کتاب‌ها بر اساس موضوعات است و روایاتی که دارای یک موضوع واحد بوده‌اند در کنار هم قرار ‌گرفته است. روایاتی که از جهت مضمونی

مشابه یکدیگرند، قرینیت بیشتری خواهند داشت و این احتمال را که در منابع اولیه بوده باشند، تقویت می‌کند.

نتیجه مطلب اینکه روایت وسائل الشیعه ارتباطی به علی بن بابویه8 ندارد و چنین نیست که حسین بن احمد، شیخِ علی بن بابویه8 باشد.

به تناسب کلام عرض می‌کنیم: در روایت دیگری از حسین بن احمد مالکی از احمد بن هلال، سقطی رخ داده است. در فهرست شیخ طوسی8 در ترجمه علی بن یقطین چنین آمده است:

**« و لعلی بن یقطین کتب ... و أخبرنا بکتبه و مسائله أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسین بن عبید الله عن محمد بن علی بن الحسین** (شیخ صدوق8) **عن أبیه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و الحمیری و محمد بن یحیی و أحمد بن إدریس کلهم عن أحمد بن محمد عن الحسن بن علی بن یقطین عن أخیه الحسین (بن علی) عن أبیه علی بن یقطین.** (ایشان طریق جدیدی ذکر کرده می‌فرماید: ) **و رواه محمد بن علی بن الحسین عن الحسین بن أحمد المالکی عن أحمد بن هلال عن علی بن یقطین.**[[7]](#footnote-7)

بین محمد بن علی بن حسین و حسین بن احمد مالکی، سقط رخ داده است و احتمالا راوی ساقط شده همانند بحث ما، افرادی باشند که از ابو علی، محمد بن همام، نقل می‌کنند.

**رابطه بین حسین بن احمد مالکی و حسن بن احمد مالکی**

لکن آیا می‌توان گفت حسن بن احمد مالکی، همان حسین بن احمد مالکی است؟ از حیث طبقه، مشکل خاصی وجود ندارد؛ زیرا علی بن بابویه با ابو علی محمد بن همام، تقریبا در یک طبقه واقع شده‌اند و مانعی ندارد که استاد آنها یکی باشد. ابو علی محمد بن همام متوفی 336 و علی بن بابویه متوفی 328 یا 329 است. آنگونه که در خاطر دارم، اگر چه محمد بن همام بعد از علی بن بابویه وفات کرده است، اما بزرگ‌تر از او بوده است. علی بن بابویه از صفار که متوفی 290 است، روایت نقل نمی‌کند چنانکه از محمد بن احمد بن یحیی اشعری (متوفی 292) با یک واسطه نقل می‌کند. از این رو اولین استادی که او درک کرده، سعد بن عبد الله (متوفی 300) است که بیشترین روایت را از او دارد. به نظر می‌رسد او در زمان وفات محمد بن حسن صفار 15 سال و یا کمتر داشته است؛ چرا که در غیر این صورت او را درک می‌کرد. بنابراین تاریخ تقریبی ولادت او بین 270 و 275 خواهد بود[[8]](#footnote-8).

لکن اشکال اصلی این است که هیچیک از مشایخ حسن (یا حسین) بن احمد مالکی که علی بن بابویه از او نقل می‌کند، با مشایخ حسین بن احمد مالکی مورد نظر ما یکسان نیست. مشایخ حسین بن احمد مالکی نه در کتب امامیه و نه در کتب عامه، با شیخِ علی بن بابویه تطابق ندارد. در کتب ما مشایخ حسین بن احمد مالکی که شیخِ محمد بن همام است، به این صورت ذکر شده است:

· محمد بن عیسی بن عبید (که روایات بسیاری از او دارد)

· احمد بن هلال (هلیل)

· ابو هاشم جعفری[[9]](#footnote-9) (در اعلام الوری ج2 ص117)

· هارون بن مسلم (البته در این کتاب نام حسین بن احمد مالکی به حسن تصحیف شده است.[[10]](#footnote-10))

· محمد بن ورید المعروف بشباب الصیرفی الرقی[[11]](#footnote-11)

افرادی که ذکر شد مشایخ امامی حسین بن احمد مالکی بودند. اما مشایخ حسین بن احمد مالکی شیخِ علی بن بابویه چنین است:

· ابیه عن علی بن مؤمّل[[12]](#footnote-12)

· ابیه عن ابراهیم بن ابی محمود[[13]](#footnote-13)

· منصور بن العباس[[14]](#footnote-14)

· عبد الله بن طاووس[[15]](#footnote-15)

· و ...

ظاهرا شیخِ علی بن بابویه، حسن بن احمد مالکی است؛ چون ایشان در موارد بسیاری از حسن بن احمد مالکی نقل می‌کند و روایات ایشان از حسین بن احمد مالکی یک یا دو مورد است که در نسخه یا منبع دیگر، به جای کلمه «حسین» کلمه «حسن» ذکر شده است. هیچ موردی وجود ندارد که علی بن بابویه از حسین بن احمد مالکی روایتی نقل کرده باشد و اختلاف نسخه یا اختلاف منبع نباشد. این نکته کاشف از این است که تعبیر صحیح «حسن بن احمد مالکی» است. حسن بن احمد مالکی برای ما شناخته شده نیست. این احتمال کاملا وجود دارد که او از اصحاب امام حسن عسکری7 باشد اما استظهار آن مشکل است.

در جلسه آینده در رابطه با وثاقت حسین بن احمد مالکی بحث خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. لسان المیزان ج 2 ص 266 [↑](#footnote-ref-1)
2. الأمالی، شیخ طوسی، ج1، ص305 - 306

   قال : حدثنا ابن همام ، قال : حدثنا الحسين بن أحمد المالكي ، قال : حدثنا محمد بن عيسى بن عبيد ابن يقطين [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج16، ص231. [↑](#footnote-ref-3)
4. إيمان أبي طالب (الحجة على الذاهب إلى كفر أبي طالب)، ص: 83 [↑](#footnote-ref-4)
5. همان ص 53 [↑](#footnote-ref-5)
6. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالَقَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ مَثَلَ أَبِي طَالِبٍ مَثَلُ أَصْحَابِ الْكَهْفِ حِينَ أَسَرُّوا الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرُوا الشِّرْكَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْن الأمالي( للصدوق)، النص، ص: 615 [↑](#footnote-ref-6)
7. الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص271. [↑](#footnote-ref-7)
8. در مورد علی بن بابویه معروف شده که امام حسن عسکری ع در نامهای او را با عناوینی چون: "شیخی و معتمدی" یاد میکند. لکن این گفتار سند معتبری ندارد و قرائن بسیاری بر نادرست بودن آن هست. [↑](#footnote-ref-8)
9. إعلام الورى بأعلام الهدى (ط - الحديثة)، ج‏2، ص: 117 [↑](#footnote-ref-9)
10. الأربعون حديثا (للرازي)، ص: 46 [↑](#footnote-ref-10)
11. رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص156. [↑](#footnote-ref-11)
12. الأمالي( للصدوق) ؛ النص ؛ ص304

    حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُؤَمِّل

    در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة ؛ النص ؛ ص64 بدون واسطه از علی بن المؤمل نقل شده است که به نظر می رسد کلمه «ابیه» سقط گردیده است. الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ، عَنْ عَلِيِ‏ بْنِ‏ الْمُؤَمِّل‏ [↑](#footnote-ref-12)
13. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص428. و کمال الدین ص 202 و عیون اخبار الرضا جلد1 ص 303 [↑](#footnote-ref-13)
14. الأمالي( للصدوق)، النص، ص: 576 [↑](#footnote-ref-14)
15. عیون اخبار الرضا ع ج1 ص 310 [↑](#footnote-ref-15)